

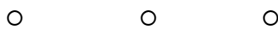
بررسی رابطه سبکهای دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی

دکتر محمدعلی بشارت*، ماندانا شریفی**، دکتر محمد ایروانی***

چکیده

سبک‌های دلبستگی که در چارچوب رابطه کودک - مادر شکل گرفته و استقرار می‌یابند، روشهای مواجهه فرد با موقعیتهای تنیدگی را با به کار بستن مکانیسم‌های دفاعی متأثر می‌سازند. در این تحقیق، رابطه سبکهای دلبستگی و انواع مکانیسم‌های دفاعی بررسی شد. دویست و چهارده دانشجوی دانشگاه تهران با تکمیل مقیاس دلبستگی بزرگسال و پرسشنامه سبکهای دفاعی در این پژوهش شرکت کردند. نتایج تحقیق نشان داد که بین سبک دلبستگی شخص و سبک دفاعی وی رابطه معنی دار وجود دارد: آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن بیش از آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته استفاده کردند؛ آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی نایمن بیش از آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نورتیک استفاده کردند و آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا بیش از آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی نایمن اجتنابی از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نورتیک استفاده کردند. نتایج و استلزامهای پژوهش حاضر، که برای نخستین بار رابطه سبکهای دلبستگی و دفاعی را بررسی کرده است، در این مقاله تبیین و تشریح خواهند شد.

کلید واژه‌ها: سبک دلبستگی، سبک دفاعی، مکانیسم دفاعی



مقدمه

بالبی (۱۹۶۹، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰)، فرایند شکل‌گیری دلبستگی^۱ نوزاد به مادر را تشریح کرد و نشان داد که چگونه سیستم احساسات و رفتارهای دلبستگی، نوزاد را به مادر نزدیک و از خطر دور می‌سازد، و جدایی از نگاره دلبستگی^۲ (مادر) اضطراب و درماندگی کودک را در پی خواهد داشت. حساسیت، پاسخگویی و حضور فعال مادر و دسترسی منظم نوزاد به وی خطوط اصلی دلبستگی ایمن را در کودک ترسیم می‌کنند. از این پایگاه امن^۳ که متضمن اعتماد کودک به دیگران (نگاره دلبستگی) و خود می‌باشد، رفتار اکتشافی^۴ تقویت می‌شود و کنش وری اجتماعی گسترش می‌یابد. وقتی مادر بی‌تفاوت، یا طردکننده باشد، مشخصه‌های دلبستگی بر محور فقدان اعتماد به خود و دیگران شکل می‌گیرند. بر این اساس سبک دلبستگی^۵ محصول تجربه‌های واقعی فرد در مورد حساسیت، پاسخگو بودن و حضور فعال و منظم نگاره دلبستگی (مادر) در خلال سالهای نوزادی، کودکی و نوجوانی می‌باشد (بالبی، ۱۹۷۳). استمرار سبک دلبستگی در فرایند تحول، موضوع تحقیقات جدید در این زمینه بوده و نتایج به دست آمده این استمرار را تایید می‌کنند (مین، کاپلن و کسیدی، ۱۹۸۵). در چارچوب روابط بزرگسالی، اکثر محققان (بالبی، ۱۹۸۲؛ راتر، ۱۹۸۱؛ ویس، ۱۹۸۲) بر اهمیت دلبستگی به منزله یکی از جنبه‌های ارتباطی، و بر استمرار تحولی آن اتفاق نظر دارند. بالبی (۱۹۷۷)، بر رابطه علی بین تجربه‌های فرد با والدین و ظرفیت توانمندی وی در برقراری پیوندهای عاطفی در آینده تصریح کرده است. یافته‌های تجربی نیز این رابطه و شباهتهای بسیار بین مشخصه‌های سبک دلبستگی نوزاد و پیوندهای عاطفی بزرگسالی را تایید کرده‌اند (شیور و هازن، ۱۹۸۸؛ شیور، هازن و برادشاو، ۱۹۸۸؛ هازن و شیور، ۱۹۸۷). مشخصه‌های سبکهای دلبستگی که در چارچوب رابطه کودک - مادر استقرار می‌یابند، تعیین‌کننده ماهیت تصورات و تجربه‌های فرد از پیوندهای عاطفی و روابط بین شخصی هستند.

سبک دلبستگی روشهای مواجهه فرد با موقعیتهای تنیدگی‌زا را هم متأثر می‌سازد (سروف و واترز، ۱۹۷۷؛ کوبک و سیری، ۱۹۸۸). افراد ایمن ضمن تصدیق موقعیت به سادگی از دیگران کمک می‌گیرند، اجتنابگرها در تصدیق موقعیت و جستجوی کمک و حمایت با مشکل مواجه می‌شوند، و نشان برجسته دوسوگراها حساسیت بیش از حد نسبت به عواطف منفی و نگاره‌های

دلبستگی است به گونه‌ای که سد راه خود مختاری آنها می‌شود (کوبک و سیری، ۱۹۸۸). در حالی که کاهش اضطراب یکی از کنش‌های سبک دلبستگی ایمن می‌باشد، سبکهای دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، تنیدگی و نگرانی فزاینده‌ای را بر فرد تحمیل می‌کنند و وی را به استفاده از شیوه‌های دفاعی ناکارآمد وادار می‌سازند (فینی و کیرک‌پاتریک، ۱۹۹۶). در چارچوب این تحقیق، سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در رابطه با سه سبک دفاعی رشد یافته^۶، نورژتیک^۷ و رشد نیافته^۸ بررسی می‌شوند. براساس طبقه‌بندی سلسله مراتبی ویلنت^۹ (۱۹۷۱، ۱۹۷۶ به نقل از اندروز، سینگ و بوند، ۱۹۹۳) در مورد مکانیسم‌های دفاعی و پیرو بررسیهای بوند (۱۹۸۳)، در این زمینه اندروز و همکاران (۱۹۹۳)، بیست مکانیسم دفاعی را برحسب سه سبک دفاعی پیش‌گفته متمایز کردند. مکانیسم‌های دفاعی که مسئولیت محافظت از من^{۱۰} را در مواجهه با شکل‌های مختلف اضطراب برعهده دارند (فروید، ۱۹۲۳)، برحسب نوع کنش‌وری ممکن است بهنجار یا نابهنجار و کارآمد یا ناکارآمد باشند. مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته به منزله شیوه‌های مواجهه انطباقی، بهنجار و کارآمد محسوب می‌شوند. مکانیسم‌های دفاعی نورژتیک و رشد نیافته، شیوه‌های مواجهه غیر انطباقی و ناکارآمد هستند.

در مواجهه با شکل‌های مختلف اضطراب، من برحسب سبک دلبستگی از کدام مکانیسم‌های دفاعی استفاده می‌کند؟ هدف اصلی پژوهش حاضر که برای نخستین بار انجام می‌شود، بررسی رابطه بین سبکهای دلبستگی و انواع مکانیسم‌های دفاعی به منظور یافتن پاسخ این پرسش می‌باشد.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن، بیش از آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته استفاده می‌کنند.
- ۲- آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی نایمن (اجتنابی و دوسوگرا) بیش از آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نورژتیک استفاده می‌کنند.
- ۳- آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا بیش از آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی نایمن اجتنابی از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نورژتیک استفاده می‌کنند.

روش

الف - جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را مجموع دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ تشکیل می‌دهد. نمونه مورد تحقیق در دو مرحله و به صورت کاملاً تصادفی از جامعه تحقیق انتخاب شد. در مرحله اول تعداد شش دانشکده از مجموع هجده دانشکده وابسته به دانشگاه تهران گزینش شد. سپس ۲۱۴ آزمودنی (۱۰۳ پسر، ۱۱۱ دختر) از بین دانشجویان کلاسهای دروس عمومی دانشکده‌ها انتخاب شدند و به عنوان نمونه تحقیق مقیاس دلبستگی بزرگسال و پرسشنامه سبکهای دفاعی را به ترتیب اجرا کردند. براساس هماهنگی‌های انجام شده با آموزش دانشکده‌ها و اساتید کلاسها، زمان پژوهش بین ساعت ۸ تا ۱۲ تعیین شد و آزمونها برای هر دو جنس به صورت مشترک اجرا گردید. به دانشجویان گفته شد که هدف از پژوهش بررسی نوع بازخوردها و احساسات آنها است. همینطور از دانشجویان خواسته شد کلیه ماده‌های آزمونها را با دقت بخوانند، مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنند و هیچ سوالی را بدون پاسخ نگذارند. ابتدا مطالعه مقدماتی آزمونها در مورد یک نمونه ۳۰ نفری از دانشجویان در دو نوبت با فاصله ۴ هفته انجام شد. سپس فرم نهایی آزمونها با اصلاحات جزئی بعضی ماده‌های پرسشنامه سبک دفاعی در مورد نمونه تحقیق به اجرا گذاشته شد.

ب - ابزار سنجش

مقیاس دلبستگی بزرگسالان - سبک دلبستگی آزمودنیها در این تحقیق با استفاده از مقیاس دلبستگی بزرگسالان^{۱۱} تعیین شد. این مقیاس که توسط مؤلف نخست ساخته و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، یک پرسشنامه دو قسمتی می‌باشد. در قسمت اول سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برحسب ۲۱ سوال در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (هیچ=۱؛ کم=۲؛ متوسط=۳؛ زیاد=۴؛ خیلی زیاد=۵) از هم متمایز می‌شوند. ضریب آلفای کرونباخ پرسشهای هر یک از سبکهای دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد نمونه این تحقیق برای کل آزمودنیها به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۶۹، ۰/۶۸؛ برای دانشجویان دختر ۰/۷۱، ۰/۷۰، ۰/۷۰؛ و برای دانشجویان پسر ۰/۷۳، ۰/۷۱، ۰/۶۹ بود که نشانه همسانی درونی مقیاس دلبستگی بزرگسال می‌باشد. در قسمت دوم، آزمودنی با انتخاب یک گزینه از سه گزینه‌ای که سه نوع

دلبستگی را توصیف می‌کنند، سبک دلبستگی خود را مشخص می‌کند. ضریب همبستگی بین نمره‌های آزمودنیها در دو قسمت پرسشنامه برای آزمودنیهای دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۵ بود. ضریب اعتبار^{۱۲} بازآزمایی مقیاس دلبستگی بزرگسال برای یک نمونه ۳۰ نفری در تحقیق حاضر در دو نوبت با فاصله ۴ هفته برای کل آزمودنیها $r = 0/84$ ؛ آزمودنیهای پسر $r = 0/85$ و آزمودنیهای دختر $r = 0/83$ محاسبه شد.

نمونه‌هایی از ماده‌های هر یک از زیر مقیاسهای این آزمون عبارتند از:

دلبستگی ایمن: «وابستگی و اتکاء به دیگران برایم آسان است.»؛ «اعتماد به دیگران برایم آسان است.»

دلبستگی اجتنابی: «دوست ندارم دیگران زیاد به من نزدیک و با من صمیمی شوند.»؛ «اعتماد به دیگران برایم دشوار است.»

دلبستگی دوسوگرا: «تمایلم به یکی شدن با دیگران گاه آنها را از من دور می‌سازد.»؛ «غالباً نگرانم که نکند دیگران واقعاً مرا دوست نداشته باشند.»

پرسشنامه سبکهای دفاعی: مکانیسم‌های دفاعی آزمودنیها در این پژوهش با استفاده از فرم ایرانی پرسشنامه سبکهای دفاعی^{۱۳} (اندروز، سینگ و بوند، ۱۹۹۳)، تعیین شد. این پرسشنامه که توسط مؤلف نخست ترجمه و اعتباریابی شده، یک ابزار ۴۰ سوالی است که در مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) بیست مکانیسم‌دفاعی را برحسب سه سبک دفاعی رشد یافته، نورژیک و رشد نایافته می‌سنجد. سبک دفاعی رشد یافته شامل مکانیسمهای والایش^{۱۴}، شوخی^{۱۵}، پیش‌بینی^{۱۶} و فرونشانی^{۱۷} می‌باشد. مکانیسم‌های مربوط به سبک دفاعی نورژیک عبارتند از: ابطال^{۱۸}، نועدوستی کاذب^{۱۹}، آرمانی سازی^{۲۰} و واکنش متضاد^{۲۱}. سبک دفاعی رشد نایافته شامل دوازده مکانیسم‌دفاعی می‌باشد: فراکنی^{۲۲}، پرخاشگری نافع^{۲۳}، عملی سازی^{۲۴}، مجزاسازی^{۲۵}، نارزنده سازی^{۲۶}، خیال‌پردازی اوتیستیک^{۲۷}، انکار^{۲۸}، جابجایی^{۲۹}، تفرق^{۳۰}، دوپارگی^{۳۱}، دلیل تراشی^{۳۲} و بدنی سازی^{۳۳}. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشهای هریک از سبکهای دفاعی رضایت بخش توصیف شده‌اند (اندروز، سینگ و بوند، ۱۹۹۳). ضریب آلفای کرونباخ پرسشهای هریک از سبکهای رشد یافته، رشد نایافته و نورژیک در مورد نمونه این تحقیق برای کل

آزمودنیها به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۷۳، ۰/۷۴؛ برای دانشجویان پسر ۰/۷۴، ۰/۷۴، ۰/۷۲ و برای دانشجویان دختر ۰/۷۴، ۰/۷۴، ۰/۷۴ بود که نشانه همسانی درونی رضایت بخش برای فرم ایرانی پرسشنامه سبک‌های دفاعی محسوب می‌شود. ضریب اعتبار بازآزمایی پرسشنامه سبک‌های دفاعی برای یک نمونه ۳۰ نفری در تحقیق حاضر در دو نوبت با فاصله ۴ هفته برای کل آزمودنیها $r=0/82$ ؛ آزمودنیهای پسر $r=0/81$ و آزمودنیهای دختر $r=0/84$ محاسبه شد.

نمونه‌هایی از ماده‌های هر یک از سبک‌های دفاعی این مقیاس عبارتند از:
 والایش: «باجام کارهای سازنده و خلاق مانند نقاشی و نجاری آرامش پیدا می‌کنم.»؛
 «وقتی به کاری سرگرم شوم افسردگی یا اضطراب را احساس نمی‌کنم.»
 واکنش متضاد: «اگر کسی جیب یا کیف مرا بزند، ترجیح می‌دهم به جای تنبیه به او کمک شود.»؛ «غالباً با کسانی که حق دارم از دستشان عصبانی باشم، خوش رفتاری می‌کنم.»
 بدنی سازی: «وقتی کارها خوب پیش نمی‌رود، مریض می‌شوم.»؛ «وقتی مجبور باشم کاری را که دوست ندارم انجام دهم سردرد می‌گیرم.»

نتایج

مشخصه‌های آماری آزمودنی‌ها برحسب جنس، سن و وضعیت تأهل در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱ - فراوانی و درصد آزمودنی‌ها برحسب سبک‌های دلبستگی و دفاعی

سبک‌های دلبستگی و دفاعی	ایمن	اجتنابی	دوسوگرا	رشد یافته	نورژیک	رشدنا یافته
دختر	۵۹(۵۳/۲)	۱۷(۱۵/۳)	۳۵(۳۱/۵)	۶۱(۵۵)	۴۳(۳۸/۷)	۷(۶/۳)
پسر	۵۲(۵۰/۵)	۱۹(۱۸/۴)	۳۲(۳۱/۱)	۵۹(۵۷/۳)	۴۰(۳۸/۸)	۴(۳/۹)
کل	۱۱۱(۵۱/۹)	۳۶(۱۶/۸)	۶۷(۳۱/۳)	۱۲۰(۵۶/۱)	۸۳(۳۸/۸)	۱۱(۵/۱)

برای تحلیل داده‌ها و آزمودن فرضیه‌های پژوهش از آزمون مجذور خی استفاده شد. ابتدا معنی دار بودن رابطه بین جنس و سبک دلبستگی آزمودنی‌ها بررسی شد. نتایج نشان داد که مقدار χ^2 مشاهده شده (معادل ۰/۳۸) از مقدار χ^2 مورد انتظار (معادل ۰/۸۲) با درجه آزادی ۲ در سطح $\alpha=0/05$ ، کوچکتر است. بنابراین تفاوت مشاهده شده معنی دار نیست. یعنی بین جنس

و سبک دلبستگی آزمودنی‌ها رابطه معنی‌دار وجود ندارد. سپس معنی‌دار بودن رابطه بین جنس و سبک دفاعی آزمودنی‌ها، بررسی شد. نتایج نشان داد که مقدار χ^2 مشاهده شده (معادل ۰/۶۶) از مقدار χ^2 مورد انتظار (معادل ۰/۷۱۸) با درجه آزادی ۲ در سطح $\alpha=0/05$ کوچکتر است. بنابراین تفاوت مشاهده شده معنی‌دار نیست، یعنی بین جنس و سبک دفاعی آزمودنی‌ها رابطه معنی‌دار وجود ندارد.

نتایج آزمون معنی‌داری رابطه بین سبک دلبستگی و سبک دفاعی آزمودنی‌ها نیز نشان داد که χ^2 مشاهده شده (معادل ۱۰/۱۶) از مقدار χ^2 مورد انتظار (معادل ۰/۰۳) با درجه آزادی ۴ در سطح $\alpha=0/05$ بزرگتر است. در نتیجه تفاوت مشاهده شده معنی‌دار می‌باشد. یعنی بین سبک دلبستگی و سبک دفاعی آزمودنی‌ها، رابطه معنی‌دار وجود دارد. فراوانی و تفاوت فراوانی مقادیر مشاهده شده و مورد انتظار سبک‌های دلبستگی و سبک‌های دفاعی به تفکیک در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول ۲- فراوانی و تفاوت فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار سبک‌های دلبستگی و دفاعی آزمودنی‌ها

دوسوگرا	اجتنابی	ایمن	سبک دلبستگی	
			نوع مکانیسم دفاعی	
۲۷	۲۳	۱۰	مقدار مشاهده شده	رشد یافته
			مقدار مورد انتظار	
			تفاوت فراوانی‌ها	
۳۷/۶	۲۰/۲	۶۲/۲	مقدار مشاهده شده	رشد یافته
			مقدار مورد انتظار	
			تفاوت فراوانی‌ها	
-۱۰/۶	+۲/۸	+۷/۸	مقدار مشاهده شده	رشد یافته
			مقدار مورد انتظار	
			تفاوت فراوانی‌ها	
۳۶	۱۱	۳۶	مقدار مشاهده شده	رشد یافته
			مقدار مورد انتظار	
			تفاوت فراوانی‌ها	
۲۶	۱۴	۴۳/۱	مقدار مشاهده شده	رشد یافته
			مقدار مورد انتظار	
			تفاوت فراوانی‌ها	
+۱۰	-۳	-۷/۱	مقدار مشاهده شده	رشد یافته
			مقدار مورد انتظار	
			تفاوت فراوانی‌ها	
۴	۲	۵	مقدار مشاهده شده	رشد یافته
			مقدار مورد انتظار	
			تفاوت فراوانی‌ها	
۳/۴	۱/۹	۵/۷	مقدار مشاهده شده	رشد یافته
			مقدار مورد انتظار	
			تفاوت فراوانی‌ها	
-۰/۶	+۰/۱	-۰/۷	مقدار مشاهده شده	رشد یافته
			مقدار مورد انتظار	
			تفاوت فراوانی‌ها	

تفاوت فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار در مورد مکانیسم دفاعی رشد یافته برای آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب $+۷/۸$ ، $+۲/۸$ و $-۱۰/۶$ می‌باشد و بیانگر آن است که آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن، به صورت معنی‌دار

بیش از آزمودنی‌های اجتنابی و دوسوگرا از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته استفاده می‌کنند. این یافته، فرضیه اول تحقیق را تأیید می‌کند. تفاوت فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار برای مکانیسم دفاعی رشد نیافته در مورد آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب $-۰/۷$ ، $+۰/۱$ و $+۰/۶$ و برای مکانیسم دفاعی نوروتیک، در مورد آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، به ترتیب $-۷/۱$ ، -۳ و $+۱۰$ می‌باشد و نشان می‌دهد که آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به صورت معنی‌دار بیش از آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن از مکانیسم‌های دفاعی نوروتیک و رشد نیافته استفاده می‌کنند. این یافته فرضیه دوم تحقیق را تأیید می‌کند. همچنین تفاوت مقادیر مربوط به آزمودنیهای اجتنابی و دوسوگرا که به ترتیب برابر $+۰/۱$ و $+۰/۶$ برای مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته و -۳ و $+۱۰$ برای مکانیسم‌های دفاعی نوروتیک می‌باشد نشان می‌دهد که آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی دوسوگرا به صورت معنی‌دار بیش از آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی اجتنابی از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نوروتیک استفاده می‌کنند. این یافته فرضیه سوم تحقیق را تأیید می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان داد که آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی ایمن بیش از آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی نایمن از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته استفاده می‌کنند. چند تبیین احتمالی برای این یافته مطرح شود.

○ اعتماد به خود و اعتماد به دیگری دو ویژگی اساسی افراد ایمن محسوب می‌شوند (تیدول، ریس و شیور، ۱۹۹۶؛ کیرک پاتریک و دیویس، ۱۹۹۴؛ کسیدی، ۱۹۸۸). اعتماد به خود به عنوان یکی از مبانی درون روانی فردی که دارای دلبستگی ایمن می‌باشد فرد را قادر می‌سازد که در مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی‌زا با مهارت بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته‌تر استفاده کند. اعتماد فرد ایمن به دیگران که جزء مکمل اعتماد به خود می‌باشد نیز وی را در جلب کمک و مساعدت دیگران یاری می‌رساند. روابط اجتماعی بخش اعظم زندگی را در دو گستره بهنجار و نابهنجار دربر می‌گیرند. اعتماد به دیگران زمینه‌های برون روانی و اجتماعی یک ارتباط سالم را در پرتو به کارگیری مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته فراهم می‌سازد. بدین ترتیب دلبستگی ایمن با

کمک دو مشخصه اعتماد به خود و اعتماد به دیگران این امکان را در اختیار فرد ایمن قرار می‌دهد تا در موقعیت‌های تنیدگی‌زا و روابط اجتماعی از مکانیسم‌های رشد یافته‌تر استفاده کند. برخورداری از قدرت اکتشافگری و جوارجویی^{۳۴}، دو مشخصه دیگر افراد دارای دلبستگی ایمن می‌باشد که می‌توانند یافته پیش گفته را تبیین کنند (کسیدی ۱۹۸۸، میکولینسر، ۱۹۸۸). قدرت اکتشافگری، انعطاف‌پذیری و جسارت لازم را به منظور آزمودن مکانیسم‌های دفاعی و سبکهای مواجهه‌ای متفاوت در اختیار فرد ایمن قرار می‌دهد. استمرار و استقرار سبکهای دفاعی رشد یافته محصول این فرایند بهنجار اکتشافگری - آزمونگری در گستره تحول می‌باشد. جوارجویی نیز به منزله یکی از نیازهای فرد ایمن که مدام در جستجوی ارضا می‌باشد به کمک بازخوردهای مثبت و دوسویه حاصل از نزدیکی در روابط با دیگران و در کنار قدرت اکتشافگری به مهارت‌های فرد در استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته می‌افزاید.

○ نتایج تحقیق نشان داد که آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی نایمن بیش از آزمودنیهای ایمن از مکانیسم‌های رشد نیافته و نوژتیک استفاده می‌کنند. این نتیجه نیز براساس چهار احتمال پیش گفته که در مورد آزمودنیهای نایمن به صورت معکوس صادق می‌باشد، تبیین می‌شود.

○ فقدان اعتماد به خود و دیگران دو مشخصه اصلی افراد نایمن است (گریفین و بارتولومیو، ۱۹۹۴؛ لویز و همکاران ۱۹۹۷). فقدان اعتماد به خود با تحلیل بنیادهای درون روانی قدرت مواجهه مطلوب با موقعیت‌های تنیدگی‌زا، استیصال و درماندگی روانشناختی را به فرد نایمن تحمیل می‌کند. این استیصال و درماندگی که به نوبه خود برحسب تجربه‌های نامطلوب، به احساسات حقارت و اضطراب شخص دامن می‌زند، ناتوانی وی را در به کارگیری مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته و به عکس تمسک به سبک‌های دفاعی رشد نیافته و نوژتیک توجیه می‌کند. فقدان اعتماد به دیگران نیز زمینه‌های برون روانی و اجتماعی ناتوانی افراد نایمن را در استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته فراهم می‌سازد. این خصیصه با اجتناب و تردید افراد نایمن در برقراری روابط اجتماعی و تشکیل بازخوردهای منفی نسبت به دیگران از یک سو و رفتار اجتنابی متقابل و بازخوردهای منفی دیگران نسبت به آنها از سوی دیگر، تکمیل می‌شود و فرایند استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نوژتیک را استمرار می‌بخشد.

○ افراد دارای سبک دلبستگی نایمن در مقایسه با افراد ایمن از قدرت اکتشافگری و جوارجویی کمتر برخوردارند (کوبک و سیری، ۱۹۸۸؛ کسیدی، ۱۹۸۸). اختلال رفتار

اکتشافگری در فرآیند تحول، جسارت و انعطاف پذیری فرد نایمن را تحلیل می‌برد و فرصتهای آزمونگری و تجربه آموزی را به منزله بستر شکل‌گیری سبک‌های مواجهه‌ای رشد یافته از آنها باز می‌ستاند. جوارجویی فعال و بهنجار افراد نایمن نیز در سایه فقدان اعتماد به خود و دیگران و اختلال رفتار اکتشافگری در اجتنابگرها به شدت کاهش می‌یابد و در دوسوگرها به شکلهای نابهنجار ادامه می‌یابد. استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نوروتیک محصول مشترک این مشخصه‌ها می‌باشد.

○ نتایج تحقیق همچنین نشان داد که آزمودنیهای دارای سبک دلبستگی اجتنابی در مقایسه با آزمودنیهای دوسوگرا کمتر از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نوروتیک استفاده می‌کنند و بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته سود می‌برند. چند تبیین احتمالی در مورد این یافته مطرح می‌شود. اجتنابگری، آرمانگرایی و اعتماد به خود جبرانی از مشخصه‌های اصلی افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی می‌باشند (کسیدی و گلدوین، ۱۹۸۴؛ کوبک و سیری، ۱۹۸۸، میکولینسر، ۱۹۹۸). اجتنابگری به منزله یک سبک دفاعی، به افراد اجتنابگر این امکان را می‌دهد که با کناره‌گیری از موقعیت‌های تعارضی از قدرت سازش بیشتری در مقایسه با دوسوگرها برخوردار باشند. تأثیر متقابل این خصیصه به صورت کاهش تنش در روابط بین شخصی و همچنین در موقعیت‌های تنیدگی‌زا، استفاده کمتر از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نوروتیک را در این دسته از آزمودنی‌ها در مقایسه با دو سوگراها توجیه می‌کند.

آرمانگرایی افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی که مستقیماً از خصیصه اجتنابگری آنها تغذیه می‌شود، بیانگر اجتناب دفاعی آنها از پذیرش تجربه‌های تلخ اما واقعی طرد، جدایی و فقدان می‌باشد. این سبک دفاعی گرچه نابهنجار است، افراد اجتنابگر را از درگیری مستقیم و فعال با موقعیت‌ها و روابط تنیدگی‌زا و تعارضی دور می‌سازد و در نتیجه به آنها کمک می‌کند که در مقایسه با افراد دوسوگرا کمتر نیازمند به کارگیری مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نوروتیک باشند. اعتماد به خود جبرانی در افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی نیز به منزله نوعی دفاع روانی اجتناب و کناره‌گیری تحمیلی آنها از دیگران را جبران می‌کند. این خصیصه نیز در راستای دو ویژگی پیش گفته، افراد اجتنابی را از به کارگیری بیشتر مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نوروتیک، به سبکی که در دوسوگراها مشاهده می‌شود، بی‌نیاز می‌سازد.

○ در نقطه مقابل، خصیصه‌های اصلی دوسوگراها یعنی تردید، تعارض، تخاصم، درماندگی،

آشفته‌گی و تکانش‌وری (کسیدی و برلین، ۱۹۹۴؛ میکولینسر، ۱۹۹۸)، آنها را شدیداً در معرض درگیری، تضاد، درماندگی و رفتار نابهنجار در موقعیت‌های تنیدگی‌زا و روابط اجتماعی قرار می‌دهند. بدین ترتیب افراد دوسوگرا بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی و مواجهه‌ای رشد نایافته و نوروتیک استفاده می‌کنند.

تأثیرات عمیق سبک دلبستگی در دو گستره درون شخصی و بین شخصی بار دیگر نقش بنیادین و پویای کیفیت پیوندهای عاطفی نخستین بین کودک و مادر را در شکل‌گیری، استقرار و تداوم اعتماد اساسی، جوارجویی، اکتشافگری، تجربه‌آموزی و قدرت مواجهه و حل مسئله برجسته می‌سازند. به رسمیت شناختن چنین نقش تعیین‌کننده‌ای مستلزم:

۱- بازشناسی نظریه دلبستگی، مفروضات اساسی این نظریه و راهبردهای نظری و عملی برخاسته از یافته‌های جدید تجربی در زمینه دلبستگی؛

۲- یکپارچه‌سازی مفروضات روان‌پویشی و کردار شناختی^{۳۵} مکانیسم‌های دفاعی در چارچوب نظریه دلبستگی به منظور افزون‌ترسازی جامعیت و سودمندی نظریه؛ و

۳- تدوین راهبردهای پیشگیری و راهکارهای درمانی در چارچوب نظریه دلبستگی و طرح‌های پژوهشی بالینی با هدف پوشش گسترده‌تر موضوعات مرتبط با دلبستگی، مخصوصاً مناسبات و پویایی‌های سبکهای دلبستگی - دفاعی، می‌باشد.

○ محدودیتهای تحقیق احتیاطهایی را در مورد تفسیر قطعی نتایج پژوهش و تعمیم یافته‌ها بر محقق و خواننده تحمیل می‌کنند. تحدید جامعه آماری به گروههای دانشجویی، فقدان هنجاریابی پرسشنامه سبکهای دفاعی برای نمونه‌های ایرانی و عدم استفاده از روشهای معتبرتر سنجش بالینی مانند مصاحبه از جمله محدودیتهای پژوهش هستند.

○ ○ ○

یادداشت‌ها

- | | |
|--------------------------------|-------------------------|
| 1- Attachment | 2- Attachment figure |
| 3- Secure base | 4- Exploratory behavior |
| 5- Attachment style | 6- Mature |
| 7- Neurotic | 8- Immature |
| 9- Vaillant | 10- Ego |
| 11- Adult Attachment Inventory | 12- Reliability |

- | | |
|----------------------------------|---------------------|
| 13- Defense Styles Questionnaire | 14- Sublimation |
| 15- Humor | 16- Anticipation |
| 17- Suppression | 18- Undoing |
| 19- Pseudo-altruism | 20- Idealization |
| 21- Reaction formation | 22- Projection |
| 23- Passive-aggressive | 24- Acting-out |
| 25- Isolation | 26- Devaluation |
| 27- Autistic fantasy | 28- Denial |
| 29- Displacement | 30- Dissociation |
| 31- Splitting | 32- Rationalization |
| 33- Somatization | 34- Proximity |
| 35- Ethologic | |

منابع:

- Andrews, G. ; Singh, M. ; & Bond, M. (1993). The defence style questionnaire. *Journal of Nervous and Mental Disease*, 246-256.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and Loss*, Vol. 1. Attachment. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss* , Vol. 2. Separation, anxiety and anger. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss*, Vol. 3. Loss. New York: Basic Books.
- Cassidy, J. (1988). Child-mother attachment and the self in six-year olds. *Child Development*, 59, 121-134.
- Cassidy, J. & Berlin, L. J. (1994). The insecure ambivalent pattern of attachment: Theory and research. *Child Development*, 65, 971-991.
- Feeny, J. A. & Kirkpatrick, L. A. (1996). Effects of adult attachment and presence of romantic partners on physiological responses to stress. *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 255-270.
- Feeny, J. A. (1999). Adult attachment and couple relationships. In: J. Cassidy and P. Shaver (Eds) *Hand Book of Attachment, Theory, Research and Clinical Applications*, pp. 355-375.
- Freud, S. (1923). *The Ego and the Id*. Standard Edition, Vol. 19, London: Hogarth.
- Griffin, D. & Bartholomew, K. (1994). Models of the self and other; fundamental dimensions underlying measures of attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*. 67, 430-445.

- Hazan, C. & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, *42*, 511-524.
- Kirkpatrick, L. A. & Davis, K. E. (1994). Attachment style, gender and relationship stability: A longitudinal analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, *66*, 502-512.
- Koback, R. R. & Screey, A. (1988). Attachment in late adolescence working models. Affect regulation and representations of self and other. *Child Development*, *59*, 135-146.
- Lopez, F. G. ; Fuending, J. ; Thomas, K. & Sagula, D. (1997). An attachment theoretical perspective on the use of splitting defense. *Counselling Psychology Quarterly*, *10*, 461-472.
- Main, M.; Kaplan, N. & Cassidy, J. (1985). Security in infancy, childhood and adulthood: A move to the level of representation monographs of the society for research in child development. *Child Development*, *50*, 66-104.
- Mikulincer, M. (1998). Attachment working models and the sense of trust: An exploration of interaction goals and affect regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*, *74*, 1209-1224.
- Rutter, M. (1981). Attachment and the development of social relationships. I-n: M. Rutter (Ed.), *Scientific Foundations of Development Psychiatry*. Baltimore: University Park Press.
- Shaver, P. ; Hazan, C. & Bradshaw, D. (1988). Love as attachment: The integration of three behavioural systems. In: R. J. Stenberg and M.L. Barnes (Eds) *The Psychology of Love*, pp. 69-99. New Haven, CT: Yale University Press.
- Sroufe, L. A. & Waters, E. (1977). Attachment as an organizationconstruct. *Child Development*, *48*, 1148-1199.
- Tidwell, C.; Reis, H. T. & Shaver, P. (1996). Attachment, attractiveness and social interaction: A diary study. *Journal of Personality and Social Psychology*, *71*, 729-745.
- Weiss, R. S. (1985). Attachment in adults. In: C. M. Parkes & J. Stevenson-Hinde (Eds.), *The place of attachment in human behavior*. New York: Basic Books.

